

گزارشاتی از فرار زندانیان در ایران برای نجات از خطر کرونا



▪ تیراندازی و کشته شدن یک زندانی

پنج شنبه 29 اسفند در زندان پارسیلون شهرستان خرم‌آباد زندانیان شورش کردند و ۲۳ نفر آنها موفق به فرار از زندان شدند. مطابق برخی گزارشها ماموران زندان به سمت زندانیان تیراندازی کرده و دستکم یک نفر آنها کشته شده است.

خبرگزاری ایرنا کشته شدن یک زندانی بر اثر تیراندازی را تکذیب کرده است. با این حال محمود ثمینی، معاون سیاسی امنیتی استانداری لرستان در جمع خبرنگاران کشته شدن یک زندانی و مجروح شدن یک نفر دیگر را تأیید کرده است. او می‌گوید یکی از زندانیان هم دستگیر شده است.

یک روز پس از حادثه زندان پارسیلون، در زندان الیگودرز، یکی دیگر از شهرستان‌های لرستان نیز زندانیان شورش کردند اما ظاهراً کسی از آنها نتوانسته فرار کند.

▪ شورش و درگیری در زندان الیگودرز روز اول فروردین

زندانیان زندان مرکزی الیگودرز با گرفتن اسلحه سربازان اقدام به شورش و تیر اندازی کردند.

با حضور اعضای شورای تامین و نیروهای انتظامی اوضاع تحت کنترل قرار گرفت.

یک روز قبل از شورش زندان الیگودرز، ۲۳ زندانی از زندان پارسیلون خرم آباد گریختند. گفته می‌شود یک زندانی به ضرب گلوله ماموران کشته شده و یک زندانی دیگر هم زخمی شده است.

- در اولین ساعات بامداد یکشنبه 2 فروردین 1399 زندانیان در زندان شهر مهاباد دست به شورش زدند!

زندانیان با زندانبانان درگیر شدند و در جریان این شورش دهها زندانی موفق به فرار شدند!

زندانیان در حالی دست به شورش زدند، که بارها به مسئولین بخاطر شرایط مرگ و زندگی در زندان هشدار داده بودند.

بی‌توجهی مسئولین زندان به خواست و مطالبات زندانیان و عدم امکانات بهداشتی، درمانی، تغذیه در ساعات بامداد امروز با شورش زندانیان پاسخ گرفت. زندانیان بخشهایی از زندان را به آتش کشیدند. نیروهای نظامی منطقه را نظامی کرده اند و همچنین صدای شلیک گلوله همچنان در سطح شهر به گوش می‌رسد. بر اساس این گزارشات دهها زندانی موفق به فرار شدند. جان و زندگی زندانیان در خطر جدی است.

▪ آتش سوزی و شورش در زندان همدان و فرار دهها زندانی

زندانیان زندان همدان دست به شورش زده و شماری از آنها موفق به فرار شدند.

روز شنبه 1 فروردین، زندانیان زندان الوند همدان شورش کرده و دهها تن از آنان موفق به فرار شدند.

ساعت ۲ بعدازظهر روز شنبه 1 فروردین، زندانیان اقدام به آتش زدن بندها کرده و با زندانبانان درگیر شدند. در این درگیری تعدادی از زندانیان فرار کردند. ماموران زندان به روی زندانیان آتش گشودند

که آمار دقیقی از تعداد کشته ها و فراری ها در دست نیست.

زندانیان زندان همدان برای حفاظت جان خود در برابر شیوع ویروس کرونا و عدم اعطای مرخصی و آزادی موقت اقدام به درگیری با زندانبانان و آتش زدن بندها کردند. آتش سوزی در زندان به حدی بود که دود از روستاهای اطراف مشاهده می‌شد و صدای تیراندازی به گوش می‌رسید.

• اعتصاب غذای ۲۰۰ زن زندانی در زندان ارومیه پس از مرگ یکی از زندانیان بر اثر ابتلا به کرونا

۲۰۰ زندانی زن محبوس در زندان مرکزی ارومیه از روز شنبه 1 فروردین، به نشان اعتراض نبود امکانات و خدمات بهداشتی در بند زنان و همچنین مخالفت مسئولین با آزادی موقت آنها پس از شیوع ویروس کرونا در این زندان، دست به اعتصاب غذا زدند. تمامی زنان محبوس در بند زنان، نهار روز شنبه را تحویل نگرفتند و آن را به زمین ریختند و اعلام کردند تا زمانی که از حق آزادی موقت برخوردار نشوند، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

اعتصاب این زندانیان پس از مرگ یکی از زنان محبوس در بند زنان با نام "فاطمه علیزاده" ۵۳ ساله و اهل کرمانشاه بر اثر ابتلا به ویروس کرونا بود است. فاطمه علیزاده یک روز قبل از مرگ، حال جسمی وخیمی داشته است و علی رغم مطلع کردن کادر درمانی، هیچ کدام از آنها برای درمان وی اقدام نکردند.

- روز پنجشنبه 29 اسفند زندانیان دو بند از زندان تبریز در اعتراض به اجرای تبعیض آمیز بخشنامه عفو و دادن مرخصی به زندانیان و عدم رعایت قرنطینه برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا شورش کردند که با دخالت نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی سرکوب شدند.

در ناآرامی‌های زندان تبریز بخشی از ساختمان به آتش کشیده شده و مطابق فیلم‌هایی که ساکنان برج‌های اطراف در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند صدای تیراندازی نیز به گوش رسیده است.

بهر روز مهدوی، فرماندار تبریز ضمن تأیید آتشسوزی در زندان، آن را جزئی خوانده و گفته ناآرامی‌ها تلفات جانی نداشته و با دخالت ماموران انتظامی اوضاع زندان آرام شده است.

« امروز پنجشنبه ۷ فروردین ۹۹ صدای تیراندازی از داخل زندان تبریز شنیده می‌شود و دود زیادی نیز به هوا بلند شده است.

طی اطلاعی که تا این لحظه از داخل زندان به بیرون درز کرده است شورش در زندان مرکزی تبریز ابعاد تازه ای به خود گرفته است.

تا لحظه تنظیم گزارش در ساعت ۱۹:۴۵ روز پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۹۹ ، چندین نفر از زندانیان بند ۹ با خلع سلاح کردن ۲ سرباز ، اقدام به تیراندازی نموده و سایر زندانیان را گروگان گرفته اند و اجازه ورود و خروج به هیچ شخصی را نمی دهند

در بند ۳ گانه زندانیان با جمع کردن پتو و تشک های زندانیان در انتهای سالن و حیاط زندان ، آنها را آتش زده اند و دود غلیظ خروجی از زندان ناشی از آتش بوجود آمده از این بند است.

طی اطلاعات غیر رسمی که تا این لحظه توسط مسئولین ذیربط تایید و یا تکذیب نگردیده در این درگیری ها یک نفر کشته شده است و تعدادی از زندانیان موفق به فرار از زندان شده اند. در بندهای مختلف زندان از جمله بند ۷ درگیری هایی بین مقامات امنیتی زندان و زندانیان در حال رخ دادن است.

نیروهای گارد ویژه استان آذربایجان هم اکنون در درب اصلی و محوطه داخلی زندان مستقر شده اند و بیرون زندان به شدت تحت مراقبت می باشد.

طی روزهای اخیر بعلت شیوع کرونا و انتشار اخبار بیماری چند تن از زندانیان زندان تبریز نگرانی های محبوسین و خانواده های شان تشدید شده و درخواست مکرر زندانیان مبنی بر دریافت مرخصی تا اتمام خطر بیماری کرونا با مخالفت مسئولین زندان و مقامات قضایی روبرو گردیده است و این مسئله اصلی ترین دلیل بروز شورش امروز در زندان از طرف زندانیان اعلام شده است.

« شورش مجدد در زندان تبریز شب یازدهم فروردین به دنبال پخش خبر دروغین به مرخصی فرستادن زندانیان بی خطر . زندانیان شعار داده اند "بی شرف، بی شرف" ما بی خطر هستیم و هنوز در

زندان

▪ شورش در زندان مرکزی شهرستان سقز در استان کردستان و فرار دستگیر جمعی زندانیان محبوس در زندان این شهر در زندان شهر سقز شورش رخ داده و در نتیجه ی آن بیش از ۸۰ زندانی از زندان این شهر فرار کرده اند. یک روز پیش از این شورش زندانیان در زندان تبریز سرکوب شد. قبل تر ۲۳ زندانی از زندان خرم‌آباد فرار کرده بودند. شیوع کرونا باعث نگرانی گسترده زندانیان شده است. تعدادی از زندانیان در حین فرار ماشین‌های عبوری از مسیر را به زور و با تهدید سرنشینان با چاقو از آنها گرفته و از محل گریخته‌اند. شاهدان همچنین گفته‌اند که تعدادی از زندانیان فراری از کوچه‌های مقابل زندان وارد شهر سقز شده‌اند.

▪ پس از شورش در زندان‌های مهاباد، همدان، سقز و تبریز امشب زندانیان زندان عادل‌آباد شیراز که از زندان‌های بزرگ ایران به شمار می‌رود دست به شورش زدند.

برخی منابع از فرار ۱۰۰۰ زندانی خبر داده‌اند. زندان عادل آباد شیراز بیش از ۱۰ هزار زندانی را در خود جای داده است.

به قتل رسیدن دستکم ۵ زندانی بر اثر شلیک ماموران به زندانیان در زندان شیراز در جریان سرکوب شورش شب گذشته.

اسامی ۴ تن از زندانیان:

افشین کاظمی، حسین احمدی، علی رنجبر، مجتبی غلامی.

هویت نفر پنجم هنوز مشخص نگردیده است.

همچنین بیش از ۳۰ زندانی نیز زخمی شده‌اند.

11 فروردین 99 - ناآرامی در زندان مرکزی یزد

شبکه حقوق بشر کردستان از وقوع اعتراض و درگیری میان زندانیان و ماموران در زندان مرکزی یزد، در پی افزایش نگرانی‌ها از شیوع کرونا، خبر داد.

بنا به گزارشی که این سازمان حقوق بشری روز چهارشنبه ۱۳

فروردین‌ماه منتشر کرده بیش از هزار زندانی در زندان مرکزی یزد در اعتراض به ادامه برگزاری اجبارآمیز مراسم مذهبی و نماز و همچنین عدم موافقت مسئولان با مرخصی زندانیان دست به اعتراض زدند.

طی این اعتراضها، تعدادی از ماموران با زندانیان درگیر شدند که منجر به مجروح شدن دستکم پنج زندانی شده است. و زندانیان خشمگین نیز دست به مقاومت زده پنجره‌های بند زندان را شکستند.

این هشتمین مورد وقوع اعتراض در زندان‌های ایران در پی افزایش نگرانی‌ها درباره شیوع کرونا میان زندانیان است.

▪ کشتار در زندان‌های اهواز

در پی اعتراضات دو روز گذشته در زندان‌های سپیدار و شیبان اهواز، که به دلیل عدم اعزام زندانیان به مرخصی در شرایط شیوع کرونا در کشور صورت گرفته بود، حداقل سه نفر از زندانیان در جریان اعتراضات زندان سپیدار اهواز کشته شده‌اند.

- هویت بعضی از کشته شدگان زندان سپیدار اهواز

در تیراندازی و آتش سوزی زندان سپیدار طبق گفته یکی از مأموران زندان سپیدار 18 نفر کشته شدند. خانواده ها خیلی نگران هستند و تلاش آنها جهت روشن شدن کشتار در زندان های سپیدار و شیبان تا کنون بی نتیجه مانده است. هویت بعضی از کشته شدگان به شرح زیر است:

۱- محمد تامولی طرفی 25 ساله، فرزند لفته، از اهالی شهر بستان که در سال 1397 بازداشت شده است و در حال گذراندن حکم 7 ساله در زندان سپیدار اهواز

۲- سید رضا خرسانی (مغینمی) 38 ساله و متاهل از اهالی دشت آزادگان شهر خفاجیه

۳- محمد سلامات از اهالی کوی مشعلی شهر اهواز

۴- شاهین زهیری از اهالی شهر محمره (خرمشهر) که به اتهام قتل در زندان سپیدار در حبس است

- زندانیان زندان شیبان اهواز برای نجات جان خود دست به شورش زدند.

گزارشها حاکی است که، از داخل زندان صدای تیراندازی شنیده می شود. همچنین در تماسی از جانب بستگان زندانیان با زندانیان خبر رسیده که ماموران زندان بسوی زندانیان گاز اشک آور نیز شلیک کرده اند.

زندانیان به دلیل نبود امکانات بهداشتی و شیوع ویروس کرونا اعتراض کردند و به طرف آنان تیراندازی و گاز اشک آور شلیک می شود.

در این زندان تا کنون ۳ زندانی به ویروس کرونا مبتلا شده اند و زندانیان بخاطر مخالفت با مرخصی از زندان دست به شورش و آتش زدن بخش هایی از زندان کرده اند.

جلوی زندان شبان اهواز ، مردم جلوی آمبولانس را گرفته اند

به گزارش یک نیروی یگان ویژه انتظامی در اهواز، موتور سواران یگان ویژه با اسلحه وینچستر به داخل زندان مرکزی اهواز وارد شدند و با شلیک به طرف زندانیان شماری از آنان را کشته و زخمی کردند

شورش زندانیان همچنان ادامه دارد و به یک شورش سراسری زندانها تبدیل شده است.

▪ شورش مجدد در زندان تبریز شب یازدهم فروردین به دنبال پخش خبر دروغین به مرخصی فرستادن زندانیان بی خطر. زندانیان شعار داده اند "بی شرف، بی شرف" ما بی خطر هستیم و هنوز در زندانیم.

▪ بحران کرونا؛ اعتراض و درگیری زندانیان در زندان سپیدار اهواز

روز دوشنبه ۱۱ فروردین ماه ، شماری از زندانیان محبوس در زندان سپیدار اهواز دست به اعتراض زده و با نیروهای کادر زندان درگیر شدند. در روزهای گذشته و امروز نیز هرانا از درگیری های مشابهی در زندان های عادل آباد شیراز، سقز، الوند همدان، مهاباد، تبریز، پارسیلون خرم آباد و الیگودرز خبر داده بود. این بحران در پی افزایش نگرانی زندانیان در رابطه با شیوع ویروس کرونا و تاخیر در بررسی پرونده های زندانیان برای اعزام آنها به مرخصی، شکل گرفته است. در همین خصوص عبدالله طباطبایی دادستان کل استان اردبیل که به همراه هئیتی برای پیگیری وضعیت مرخصی زندانیان از برخی بندهای زندان این شهر دیدار کرده بود خطاب به یکی از زندانیان سیاسی در این زندان گفته است «نفس کشیدن زندانیان امنیتی و سیاسی نیز حرام

است چه برسد به مرخصی آنها».

* * *

خطر زیاد شیوع کرونا در زندان‌ها

با تائید رسمی شیوع ویروس کرونا در ایران نگرانی درباره سرایت آن به محیط‌های پرجمعیت و بسته‌ای چون زندان‌ها و پادگان‌ها افزایش یافته است.

موقعیت زندان‌ها به دلیل تعداد زیاد زندانیان و ناممکن بودن اجرای تدابیری مانند قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی یا رعایت بهداشت و شست‌وشوی مرتب دست با صابون بسیار بحرانی‌تر از پادگان‌ها است.

دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ۱۳ اسفند ماه اعلام کرده بود که با مرخصی بیش از ۵۰ هزار زندانی به دلیل شرایط کشور و شیوع کرونا موافقت کرده است. ظاهراً در این فاصله تعداد دیگری از زندانیان نیز به مرخصی آمده‌اند اما اغلب زندان‌های ایران همچنان با ازدحام زندانیان و کمبود مراقبت‌های بهداشتی روبرو هستند.

جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران چندی پیش تعداد زندانیان ایران را بیش از ۱۸۹ هزار نفر اعلام کرده بود. تقی رستموندی، رئیس سازمان امور اجتماعی تیرماه سال پیش این آمار را ۲۴۰ هزار نفر عنوان کرد.

تا کنون درباره شیوع ویروس کرونا در زندان فشافویه و اوین گزارش‌هایی منتشر شده که باعث نگرانی خانواده زندانیان سیاسی در این زندان‌ها که مشمول مرخصی نشده‌اند بوده است.

در مورد ابتلای شماری از زندانیان به کرونا گزارش‌های متفاوتی منتشر شده و در مواردی برخی از زندانیان یا خانواده آنها از این موضوع خبر داده‌اند. با این حال تا کنون به طور رسمی آماری در این زمینه منتشر نشده است.

بر پایه آمار وزارت بهداشت تا نیمروز هشتم فروردین ۳۲ هزار و ۳۳۲ مورد ابتلای قطعی به بیماری کووید ۱۹ در ایران شناسایی شده و در مجموع ۲ هزار و ۳۷۸ نفر بر اثر آن جان سپرده‌اند. روند شناسایی موارد ابتلای جدید در روزهای گذشته شدت گرفته است و این تعداد در ۲۴ ساعت منتهی به نیمروز جمعه هشتم فروردین نزدیک به سه هزار نفر بوده است.

همزمان در برابر کرونا و جمهوری اسلامی

بهروز سورن



حقیقت این است که خامنه ای برخورد شخصی با همتای آمریکایی اش نمیکند بلکه رفتار او تبلور فاسدترین و خشن ترین طیف حاکمیت است که انباشت سرمایه و بقای قدرت خود را تا کنون بر بحران سازی و دامن زدن به بحرانهای خانمانسوز در داخل و خارج کشور یافته است. این طیف جنایتکار و غارتگرها نطور که در چهل سال گذشته نشان داده اند، منافع و بقای حاکمیت خود را حتی بر قربانی کردن میلیونها انسان شریف و زحمتکش در کشورمان، ارجح می‌شمارند، حاضرند از روی اجساد بهترین انسانها بگذرند و از هیچ کوششی در جهت نقض آشکار حقوق بشر فرو نگذاشته اند

این سوال که در برابر هجوم وحشیانه ویروس کرونا به بشریت و تحت سلطه استبداد حاکم چه باید کرد در برابر همگان قرار گرفته است. مردم کشورمان تنها نگران شیوع این بیماری خطرناک نیستند بلکه در امتداد ان با رژیم سر و کار دارند که کوچکترین قوائد انسانی را در این برهه خطرناک مراعات نمیکند. از حمایت های بین المللی از جمله پزشکان بدون مرز گرفته تا حمایت های مالی و ارسال اقلام مختلف از سوی کشورهای دیگر، این منش و روش امروزه مورد نقد قرار گرفته است که خامنه ای در برخورد با این شرایط خطرناک که میتواند دهها هزار قربانی بدنبال داشته باشد با همتای خود در آمریکا برخوردهای شخصی میکند.

حقیقت این است که خامنه ای برخورد شخصی با همتای آمریکائیش

نمی‌کند بلکه رفتار او تبلور فاسدترین و خشن‌ترین طیف حاکمیت است که انباشت سرمایه و بقای قدرت خود را تا کنون بر دامن زدن به بحرانهای خانمانسوز در داخل و خارج کشور یافته است. این طیف جنایتکار و غارتگر همانطور که در چهل سال گذشته نشان داده اند، منافع خود را حتی بر قربانی کردن میلیونها انسان شریف و زحمتکش در کشورمان، ارجح می‌شمارند، حاضرند از روی اجساد شریفترین انسانها بگذرند و از هیچ کوششی در جهت نقض آشکار حقوق بشر فرو نگذاشته اند.

دریافت حمایت‌های بین‌المللی در مواجهه با بلایای طبیعی و از جمله فجایع منتج از شیوع بیماری ویروسی کرونا از ابتدایی‌ترین حقوق هر ملتی در هر کجای دنیا است و این همبستگی عمومی شامل ملل دیگر نیز در زمان مقتضی خواهد شد.

همانطور که می‌بینیم و میدانیم امیدی به این نظام برای مواجهه با این فاجعه همه‌گیر که در ایران بیشتر قابل مشاهده است، نیست. خصوصاً آنکه پس‌لرزه‌های طوفان سهمگین و کشنده این ویروس با اغماز و رکود اقتصادی بسیار بیشتر در انتظار است. آنچه باقی میماند همیاری و همبستگی مردمی است که در چهل سال گذشته علیرغم سرکوب‌ها و تحمیق‌ها بیدار مانده اند و حس انساندوستی و پشتیبانی از هم‌نوع خود را از دست نداده اند. روحیه فداکاری کادر درمانی بیمارستانها و ارسال همزمان ویدئوهای رقص که نوعی مقاومت مدنی نیز محسوب میشود از جمله عواملی است که هدفمند برای بالا بردن ضریب روحی مردم کشورمان بشمار می‌آید. همانطور که آمیخته‌ای از اشک و لبخند است.

ناگفته پیداست که چشمداشت به حمایت‌های بین‌المللی بواسطه حضور دهها نهاد واسطه حکومتی و پتانسیل غارت و چپاول دولتمداران و وابستگان آنها در این نهادها، بیهوده است اما خطر کرونا پشت‌درب‌ها ایستاده است. امروز افشاگری علیه این نهادها و دست‌های ناپاک آنها میبایستی بموازات اقدامات یاری‌رسانی به مبتلایان تداوم یابد تا شاید قطره‌ای از این کمک‌ها یاری‌رسان قربانیان این شرایط ناعادلانه قرار گیرد. در چنین اوضاعی و در هیچ وضعیتی نباید حمایت‌های مردمی به شماره حساب‌های نجومی وابستگان حکومتی و ارگان‌های مذهبی واریز گردد. همه پشتیبانی‌های مالی و لجستیکی خود را مستقیماً به نهادهای خود انگیخته و خودگردان محلی تحویل دهید.

فراموش نکنیم که این حاکمیت همواره در شرایط بحرانی مسئولیت را

از سر خویش باز کرده است و آنرا به مردم و افراد خیر!! واگذار کرده است. همین حاکمیت در زمان دریافت کمک های میلیونی از خارج کشور دست واسطه ها و وابستگان خویش را برای غارت و چپاول این دریافتی ها باز گذاشته و سپس محمولات دریافتی در بازار سیاه بفروش رفته است. دست شستن از وعده و وعیدهای این حاکمان ابتدائی ترین شرط برخورد آگاهانه با این بحرانی است که میتواند دهها هزار قربانی ببلعد.

تشکیل شوراهای مشارکتی محلی و مجازی در مرحله سازمانیابی و سازماندهی و اتکا به ابتکارات خلاقانه و تبلیغات پیشگیریهای ضروری از جمله در خانه ماندن و حفظ فاصله در صورت خروج ضروری از خانه و بهره بردن از تجهیزات همانند ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی تنها راه برون رفت از مهلکه کنونی بنظر می رسد.

از آنجایی که نهادهای خود رو و مردمی بطور کلی مورد سرکوب حاکمیت قرار گرفته اند و هم اکنون فعالین آن با محکومیت های نجومی مسئولین قوه قضایی مواجه شده اند ، لازم است که نهادهای محلی در حد امکان بشکل مخفی تشکیل و به اقدامات خود جامه عمل بپوشانند. نا گفته پیداست که این نهاد ها میتوانند در روند فراگیری خود بخشی از قدرت اجتماعی را بی نیاز از ارگانهای حکومتی در دست توانای خود بگیرند. شرط لازم و ضروری این اقدام حفظ فاصله از هر گونه وابستگی به نهادهای حکومتی و ارگانهای مذهبی در محلات است.

حمایت عمومی از این نهادهای محلی با دایره جغرافیایی محدود و ارسال مستقیم کمک های مالی، مواد درمانی و بهداشتی، تجهیزات ضد عفونی قطعا با استقبال همگانی مواجه خواهد شد. چگونگی تشکیل این نهادها تجویزی نیست اگر چه تجربیات پیشین میتواند یاری دهنده باشد.

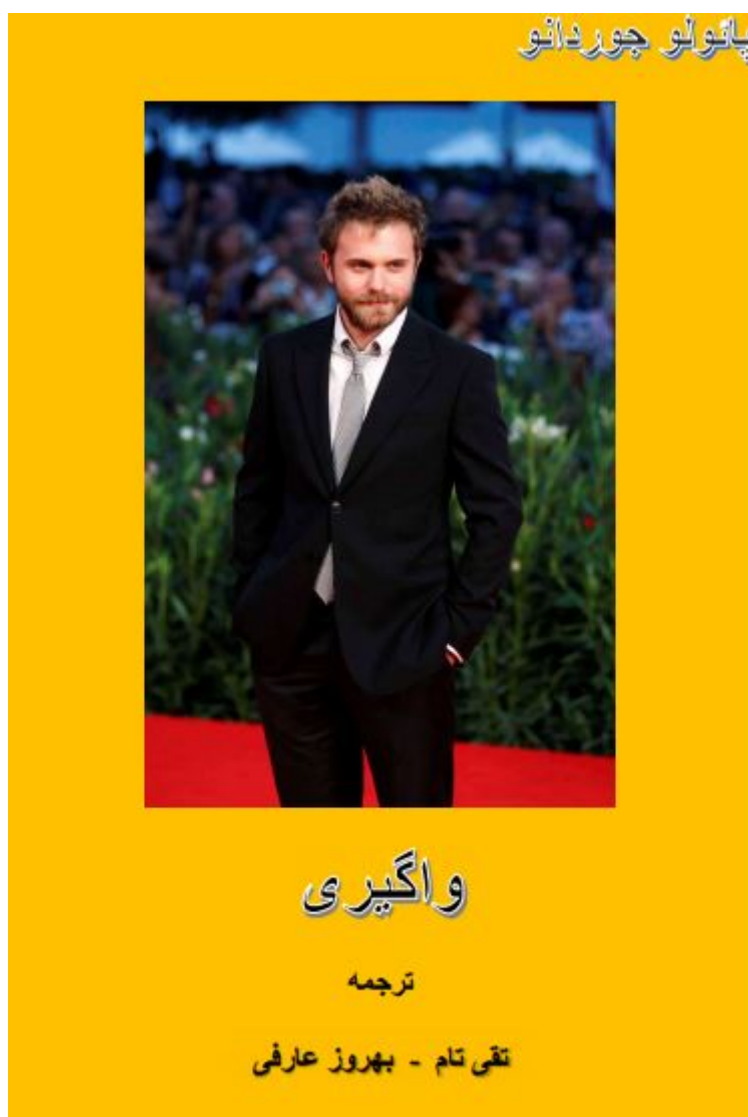
برآورد نیازها، جمع آوری اطلاعات محلی و یاری رسانی به سالمندان و کودکان کار

آموزش تهیه ماسک در خانه که امروزه در اروپا نیز تبلیغ گسترده میشود

چرخش مجازی قوائد علمی مقابله با ویروس کرونا و آموزش

این همه تمرین بازپس گیری کنترل شهری و روستایی از نهادهای فاسد رژیم در آینده است.

واگیری



کتابی از
پائولو جورڈانو

پائولو جوردانو، نویسنده جوان ایتالیایی و ریاضی دان، که نخستین کتاب او "تنهایی اعداد اول"، بیش از سی و نیم میلیون نسخه فروش رفت، در روزهای اول "قرنطینه" در ایتالیا برداشت خود را از روزگار حال و گذشته و نیز اندیشه اش در قبال ویروس را به صورت جزوه ای با عنوان "واگیری" نوشته است.

بخش های بزرگی از این جزوه به فارسی برگردانده شده که پی دی اف آن را در زیر می خوانید.

واگیری

پائولو جوردانو

ترجمه تقی تام - بهروز عارفی

نامه سرگشادهی اعتراضی فوروم دمکراتیک ایران نیسان به پارلمان اروپا

Mainz, den 26.03.2020

حضور محترم جناب آقای داوید ماریا ساسولی

با کمال تاسف باید گفت که دستگاه اطلاعاتی رژیم ایران یک تصویر غلط از گسترش ویروس کرونا در ایران به افکار عمومی منتقل نموده است. ما میدانیم که دقیقاً در حال حاضر انهم زمانی که پزشکان بدون مرز برای مردم ایران فعالانه می توانستند حرکت کنند، از سوی مسئولین ایران دست رد بر سینه آنان زده شد و از آنها خواسته شد هیچ اقدامی انجام ندهند. رژیم ایران و سیستم موجود در ایران این را نمی خواهد، زیرا آنها از اطلاعات درست در باره عدم هماهنگی و

عدم وجود مراقبت های لازم و وو ترس دارند.

جناب آقای ساسولی

با کمال تاسف ما اطلاع یافتیم که شما 20 میلیون یورو به رژیم ایران بعنوان هدیه کمک نموده اید. انهم در شرایطی که مردم ایران با اپیدمی ویروس کرونا در رنج فراوان بسر می برند و رژیم تلاش می کند از خود چهره ای قابل قبول نشان دهد. مردم ایران نیازی مبرم به پشتیبانی دارند و نه رژیم جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی تلاش می کند تا مردم ایران را تا میتواند تحت فشار قرار دهد و سرکوب کند. لذا سپردن کمک های نقدی به این رژیم هیچ رابطه ای با کمک های بشردوستانه به مردم ایران ندارد. کمک های بشر دوستانه به مفهوم حمایت و کمک فوری و مستقیم به جامعه و بیمارستانهاست.

کمک بشردوستانه یعنی با صدای رسا آزادی همه زندانیان سیاسی را خواستار شد. کسانی که هیچ جرمی ندارند جز اینکه خواهان آزادی و دموکراسی هستند.

جناب آقای پریزیدنت

ما از شما می خواهیم هر کاری از دستتان بر می آید برای آزادی زندانیان سیاسی ایران انجام دهید. اجازه ندهید کمک های بشردوستانه تبدیل به ابزاری سیاسی شوند. زیرا رژیم ایران هر نوعی از کمک و یاری را بعنوان مشتی بر علیه مردم ایران بکار گرفته ومی گیرد.

ما عمیقا متاسفیم، حال که احتیاجات پزشکی زیر سؤال رفته است و پزشکان بدون مرز دست رد بسینه شان خورده است، همزمان رژیم ایران 20 میلیون یورو کمک نقدی دریافت می کند.

این مسئله در واقعیت ادامه همان سیاست " دیالوگ انتقادی " با رژیم ایران است. اگر شما به پیمانهای سازمان جهانی حقوق بشر پایبندید، اولین قدم آزادی زندانیان سیاسی خواهد بود که در شرایط کنونی زیر شدیدترین فشارها قرار گرفته اند و دولت ایران به هیچ وجه دنبال یک راه حل نیست.

بیمارستانهای ایران شديدا از کمبود و حتی نبود ابزارهای لازم پزشکی و مراقبتی در رنجند و دقیقاً رژیم ایران به همین دلیل تلاش

دارد تعداد مبتلایان و کشته شدگان را مخفی نماید. به این معنی که ویروس کرونا یک مانور سیاسی برای رژیم ایران شده است.

دومین موج گسترش ویروس کرونا بخاطر اطلاعات غلط و ناصحیح در حال جریان است. در گزارش هایی که بدست ما می رسند، بروشنی می بینیم که گسترش بی حد این ویروس نتیجه رفتار غلط رژیم ایران است.

با احترام فراوان

از سوی فوروم دمکراتیک ایرانیان شهر ماینز

بهروز اسدی

i.A. Behrouz Asadi

Demokratische Forum der Iraner

C/O Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP ,

Albert-Schweitzer-Str 113-115 in 55128 Mainz

برگردان بفارسی ناهید جعفرپور

اَلْكَانَ بِدِيُو: در این اوضاع
اپیدمی، اعتبار دهیم به
چشم اندازهای مبتنی بر سیاستی
نوین با هدفی استراتژیکی



«...»
...
...».

[برای خواندن نوشته به زبان فرانسه در این جا کلیک کنید](#)

[برای خواندن نوشته به زبان انگلیسی در این جا کلیک کنید](#)

در 21 مارس 2020، آلن بَدیو، فیلسوف معاصر فرانسوی، متنی درباره‌ی اوضاع کنونی در شرایط اپیدمیِ کوید-19، زیر عنوان «درباره‌ی ...» منتشر می‌کند. در زیر، چکیده‌ی کوتاهی از آن را به آگاهی خواننده می‌رسانیم. برای مطالعه‌ی متن کامل، به زبان اصلیِ آن، فرانسه، و یا ترجمه‌ی آن به انگلیسی، علاقه‌مندان می‌توانند به لینک‌های ذکر شده در پایان این نوشته رجوع نمایند.

نوشتارِ جدید بَدیو ناظر بر اوضاع و احوالی است که اپیدمیِ کوید-19 در فرانسه ایجاد کرده است. روی سخن او اما بیشتر با فعالان سیاسی- نظری در فرانسه می‌باشد. او، در عین حال در نوشته‌اش،

به طور خاص و با جسارت، با پندارهای پوچ و یاوه گویی‌هایی که در برخورد به پاندمی و نتیجه‌گیری از آن توسط شبکه‌های مجازی و برخی گرایشها تبلیغ میشوند، به مقابله برمی‌خیزد.

از همان ابتدا، بَدیو موضع ویژه‌ی خود را نسبت به وضعیتِ اپیدمی روشن می‌سازد. از نظر او « ... » اپیدمیِ کنونی، با این که این بار، بنا بر ویژگی‌هایش، مرگ‌آور تر و جهان‌گیرتر است، اما به گونه‌ای، از نقطه نظر یک بیماری همه‌گیرِ ویروسی، پدیداری استثنائی و بی‌سابقه نیست. پیش از این نیز در سال‌های گذشته، دنیا با شکل‌ها و نام‌های دیگری از اپیدمی - چون ایدز، ویروس اِ-بولا، سارس و غیره - رو به رو شده است. در نتیجه، به گفته‌ی او : « ما با ... رو به رو نیستیم».

سپس، با این که موضوع اصلی گفتار او چیز دیگری است، بَدیو دست به توضیحِ کلیِ شرایطِ پیدایش و شیوع ویروس کرونا می‌زند. ماجرای اپیدمی با انتقال این ویروس از حیوان به انسان (از جنسی به جنسی دیگر) در استان ووهان چین آغاز می‌شود: « ... » اما در همین جا بَدیو هشدار می‌دهد که ریشه‌های گسترش جهانی بیماری را نباید از راه « ... » (که منظور ضدچینی است) توضیح داد، بلکه عامل اصلی را می‌بایست در وضعیت کنونی بازار جهانی‌شده و تضادهای ساختاریِ دنیای کنونیِ ما نشان داد:

« ... » اما گفتار بَدیو، بیشتر متوجه جریان‌هایی است که به‌ویژه از راه شبکه‌های مجازی و اجتماعی، دست به پخش اکاذیب و “تئوری‌هایی می‌زنند که از کمترین اساس علمی تهی می‌باشند. او می‌نویسد:

« ... »

«...»

در ادامه، بَدیو به نقد آن تصویری می‌پردازد که معتقد است که این گونه پدیدارها، چون اپیدمی، می‌توانند، «...»، «...» را باز گشایند. او توافقی با این وهم و پندار ندارد، اما بر این باور است که این مصیبت می‌تواند شرایط پیشرفت امر انتقال داده‌های علمی در باره‌ی اپیدمی را فراهم آورد و در ضمن کمک کند به قدرت‌گیریِ سیاسیِ اعتقادات نوینی در زمینه‌ی مربوط به امور پزشکی و بهداشت عمومی، در مورد سیاست آموزشیِ برابانه، مراقبت از سالمندان و مسائلی از این دست. این‌ها، در شرایط اپیدمی کنونی، مواردی هستند که ضعف‌ها و کاستی‌های خطرناک سیاست‌های سنتی رژیم‌های امروزی در فرانسه و جهان را نمایان می‌سازند.

بَدیو در این جا اشاره دارد به پیدایش این کمبودها و بی‌کفایتی‌های بزرگ - چون کمبود تجهیزات ایمنی (ماسک‌های حفاظتی...)، عدم آمادگی بیمارستان‌ها و غیره - که در این مبارزه‌ی عمومی یا در این جنگ با اپیدمی، هم اجتناب‌ناپذیر و هم ساختاری‌اند. این‌ها همه در عین حال از سیاست‌های دولت‌ها در تضعیف بخش‌های عمومی، بهداشتی، اجتماعی، خدماتی... ناشی می‌گردند که طی چندین دهه، حداقل از سی سال پیش به این سو، در فرانسه اجرا می‌شوند. اما بَدیو در ضمن گوشزد می‌کند که به جز شاید چند داشمند کسی واقعه‌ی اپیدمی کرونا را پیش‌نکرده بود و می‌نویسد:

«...»

به طور کلی، درسی که بَدیو از این اوضاع می‌گیرد این است که اپیدمی کنونی «...» هیچ نتیجه‌ی سیاسی «...»ی در کشوری

سال کرونومی

حسن بهگر

سال کرونومی می گویم مثل سال وبایی و طاعون. بلایی است که برای همه جهان رسیده ولی برای کشور بلا دیده ما همین یکی کم بود تا تراژدی این ملت اسیر را کامل کند.



بحران های ناشی از بلایای طبیعی یا حملات تروریستی ، شیوع بیماری و... برای هرکشوری رخ می دهد. اینها حوادث غیر مترقبه ای است که معمولاً کسی انتظارشان را ندارد، ولی چون مسأله مرگ و زندگی شهروندان مطرح است، نمونه ی خوبی است از میزان درک مسئولیت حاکمان و شیوه ی مملکتداری آنها. حتی این بلا هم ملایان را از رفتار همیشگی شان منحرف نکرده است. هنوز در بوق خرافات می دمند و هنوز سعی می کنند تقصیرها را گردن هم بیندازند و مردم هم متوجه عدم صداقت رژیم هستند که دروغگویی اش اظهرمن الشمس است و هر مسؤل بی مسئولیتی یک چیزی می گوید.

تأخیر در خبررسانی بموقع بیماری کرونا و پیشگیری از شیوع آن و ناتوانی در رساندن کمک های اولیه موجب خشم شدید مردم شده. ولی حکام، درکمال بی غیرتی، چون ناتوان از مدیریت هستند، فقط برای

کفن و دفن مرده ها فتوا صادر می کنند. یعنی همان چیزهایی که در حوزه یاد گرفته اند. بی کفایتی و بی لیاقتی رژیم مسخره عالم شده و بی آبرویی گردن همه ی ایرانیان را گرفته.

آنچه که در کشورهایی که حساب و کتاب سرشان می شود و زندگی شهروندانشان برایشان ارزش دارد، دیده ایم اینست که در این مواقع یک تیم بحران درست می کنند و یک روابط عمومی که به مردم پاسخ بگویند و مردم را بسیج کنند و همیاری آنان را جلب نمایند. خبررسانی باید از یک منبع مورد اطمینان پخش شود تا شایعات مردم را بیشتر نترساند. ولی طبق معمول حکومتی که توتالیتراست فقط در سرکوب همه وسایل را به کار می گیرد ولی در سایر امور درمانده است. بازار شایعات داغ است و هرکسی طبابت میکند و یک نسخه ای می نویسد و مردم بیچاره به هر چه دستشان برسد برای نجات جانشان متوسل می شوند. حکایت ملانصرالدین است که به زنش خرجی و نان و غذا نمی داد ولی او را روزانه مرتب کتک می زد. وقتی همسایگان به او اعتراض کردند که ملا این چه حرکتی است ، می گفت اگر او را کتک نزنم چه جوری ثابت کنم که من شوهر او هستم.

سرعت عمل در مواقع بحرانی حرف اول را می زند. ولی وقتی طائب رئیس اطلاعات سپاه خبر رسانی را دو هفته محض بهره گیری سیاسی به تعویق می اندازد تا خللی در انتخابات و تظاهرات 22 بهمن وارد نیاید، اوضاع از کنترل خارج می شود و عمق نادانی و نفهمی مدیران کشور به نمایش درمی آید.

این بار تفاوتی که ایران با سایر جوامع پیدا کرده، افرون بر داشتن یک دولت نالایق و سرکوبگر، نوعی بی قیدی نیز هست که همه جا را گرفته. مردمی که همواره با بحران زیسته اند، نومیدانه مرگ را هم به مسخره گرفته اند و در حقیقت از شدت نومیدی به استقبال مرگ شتافته اند. در جایی که صحبت از قرنطینه است، مردم اقدام به مسافرت می کنند گویی به زبان بی زبانی می گویند ای مرگ بیا که زندگی ما را کشت!

حاکمان باید سیاست مشخص و استراتژی معینی داشته باشند که دیگران را موظف به تبعیت از آن بکنند و متخلفین را مجازات کنند. ولی در این بحران بقدری آشفتگی وجود دارد که حکومت تا این ساعت نتوانسته است بر دستپاچگی غلبه کند و مراکز متعدد تصمیم گیری بر این مشکلات افزوده است. با وجودی که در چند شهر مانند گیلان و قم وضع فوق العاده و بالاتر از قرمز گزارش می شود هنوز قرنطینه ای در کار

نیست .

حکومت ها معمولاً در این مواقع فرصتی می یابند تا مشروعیتی از مردم کسب کنند ولی برای حکومتی سرکوبگر که همین چندی پیش کشتار آبانماه را بر جنایات قبلی افزوده این سهل انگاری و بی مسئولیتی که منجر به کشتار هموطنان ما شده از یاد کسی نخواهد رفت و سرانجام کتاب سراسر ننگ زندگی ننگین این رژیم را خواهد بست.

حسن بهگر

چهارشنبه - 21 اسفند 1398

2020-03-11

برگرفته از سایت www.iranliberal.com